

سودان از اواخر قرن نوزدهم تا میانه قرن بیستم دورانی پر تنش را پشت سر گذاشت که در انتمعار خارجی و مقاومت‌های مسلحانه نقش اصلی را ایفا می‌کرد. پس از سقوط دولت مهدی‌ها در سال ۱۸۹۸ میلادی (۱۲۷۷ش)، سودان تحت حکومت مشترک بریتانیا و مصر قرار گرفت؛ نظامی که عملاً کنترل کامل را به دست لندن سپرده بود. سیاست‌های استعماری بریتانیا، به‌ویژه سیاست جنوب، با تفکیک ساختاری شمال و جنوب، ترویج زبان انگلیسی در جنوب، محدود کردن رفت‌وآمد بین مناطق و جلوگیری از گسترش اسلام و عربیت، شکاف‌هایی عمیق در بافت اجتماعی ایجاد کرد. این اقدامات، همراه با بهره‌برداری اقتصادی از زمین‌ها و منابع، پای‌های بی‌ثباتی بلندمدت را بنا گذاشت و سبب شد که سودان از همان آغاز قرن بیستم بسترى برای شورش‌های محلی و نارضایتی‌های گسترده باشد. با کسب استقلال در سال ۱۹۵۶ میلادی (۱۳۳۵ش)، سودان وارد مرحله‌ای تازه شد که ظاهراً پایان استعمار بود، اما در عمل آغاز دوره‌ای طولانی از جنگ‌های داخلی بود. نخستین جنگ داخلی سودان در سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴ش) حتی پیش از اعلام رسمی استقلال شروع شد؛ زیرا جنوب‌نشینان که از سلطه سیاسی و فرهنگی نخبگان عرب–مسلمان شمال بیم داشتند، به شورش مسلحانه دست زدند. این جنگ تا سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱ش) ادامه یافت و با توافق آدیس‌آبابا خاتمه یافت، اما اجرای ناقص توافقی و تغییرات سیاسی در خارطوم دوباره زمینه‌ساز درگیری شد. از سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ش) دومین جنگ داخلی آغاز شد؛ نزاعی گسترده میان دولت مرکزی به رهبری جعفر نمیری و سپس عمرالبشیر با جنبش ارتش آزادی‌بخش خلق سودان که تا سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴ش) ادامه یافت و بیش از دو میلیون کشته و میلیون‌ها آواره بر جای گذاشت. این جنگ یکی از طولانی‌ترین و خونبارترین جنگ‌های داخلی قاره آفریقا به شمار می‌رود و نهایتاً منجر به جدایی سودان جنوبی در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰ش) شد. حتی پس از جدایی جنوب، سودان از چرخه درگیری‌ها رها نشد. از سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۳ش) واکشش دارفور به شورش قبایل غیرعرب آغاز شد و باکنش خشن دولت، شامل استفاده از نیروهای جنجویی، به اتهام جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی انجامید. پس از سقوط عمرالبشیر در ۲۰۱۹ (۱۳۹۸ش)، امید به گذار دموکراتیک افزایش یافت، اما رقابت میان نیروهای مسلح سودان و نیروهای واکنش سریع که ریشه‌های آن به دهه‌های قبل برمی‌گشت، در ۲۰۲۳ (۱۴۰۲ش) به جنگی تمام‌عاری در خارطوم و سایر ایالت‌ها تبدیل شد. این درگیری جدید نشان داد که تاریخ سودان از دوره استعمار تا امروز همواره ی در سایه مداخله خارجی و ساختارهای استعماری بوده یا درگیر درهم‌تنیدگی بحران‌های قومی، سیاسی و نظامی داخلی؛ چرخه‌ای تاریخی که هنوز نیز تداوم دارد و آینده سیاسی این کشور را در هاله‌ای از ابهام نگه داشته است.

آغاز جنگی دیگر!

جنگ داخلی اخیر سودان که‌ از ۱۵آوریل ۲۰۲۳ (۲۶ فروردین ۱۴۰۲) آغاز شد، ریشه در تنش‌های طولانی‌مدت میان دو مورد قدرتمند نظامی این کشور دارد: ژنرال عبدالفتاح البرهان، فرمانده کل نیروهای مسلح سودان (SAF) و رئیس شورای حکومتی انتقالی، و ژنرال محمد حمدان دقلو (معروف به حمیدتی) فرمانده نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) و معاون سابق او در شورای حکومتی. پس از سرنوشتی عمر البشیر درآوریل ۲۰۱۹ (فروردین ۱۳۹۸) توسط اعتراضات مردمی، این دو ژنرال ابتدا با هم متحد شدند و در اکتبر ۲۰۲۱ (مهر ۱۴۰۰) با کودتای مشترک، دولت غیرنظامی عبدالله حمدوک را کنار زدند و قدرت را به‌طور کامل در دست گرفتند. اما اختلاف اصلی بر سر نحوه و زمان ادغام نیروهای پشتیبانی سریع (حدود ۱۰۰ هزار نفر) در ارتش رسمی بود؛ ارتش خواستار ادغام سریع در ۲ سال و زیر فرماندهی مستقیم خود بود، در حالی که حمیدتی خواستار دوره ۱۰ ساله و حفظ استقلال نسبی RSF بود. این اختلاف به‌تدریج به رقابت بر سر منابع اقتصادی، نفوذ سیاسی و کنترل مناطق حاشیه‌ای به‌ویژه دارفور و خارطوم تبدیل شد. صبح روز ۱۵ آوریل ۲۰۲۳ (۲۶ فروردین ۱۴۰۲) درگیری مسلحانه ابتدا در پایگاه هوایی مریخ و در شمال کشور و سپس به‌سرعت در خارطوم، پایتخت، و مناطق مختلف مشترک، دولت غیرنظامی RSF به‌پادگان‌ها، فرودگاه و کاک ریاست‌جمهوری حمله کردند و ارتش با حملات هوایی و توپخانه‌ای پاسخ داد. حمیدتی ادعا کرد که ارتش به پایگاه‌های RSF حمله کرده و او صرفاً دفاع می‌کند، در حالی که برهان اعلام کرد RSF شورش کرده و باید منحل شود. ظرف چند ساعت، درگیری به جنگ تمام‌عیار شهری در خارطوم تبدیل شد؛ RSF با تحرک بالا و تجربه جنگ چریکی در مناطق مسکونی مستقر شد و ارتش با برتری هوایی و سلاح‌های سنگین سعی در بازپس‌گیری مناطق کرد. این درگیری‌ها به‌سرعت به استان‌های دارفور (به‌ویژه نیالا، الضعین و الفاشر، کردفان و برخی مناطق شرقی گسترش یافت. تا پایان سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۵ هزار نفر کشته و بیش از ۸ میلیون نفر آواره شدند (بزرگ‌ترین بحران آوارگی جهان). گروه‌های اصلی درگیر مستقیماً دو نهاد نظامی هستند: ۱. نیروهای مسلح سودان (SAF) به فرماندهی عبدالفتاح البرهان که شامل ارتش منظم، نیروی هوایی و بخش‌هایی از سرویس اطلاعات عمومی است و عمدتاً از ساختار قدیمی ارتش سودان و نیروهای وفادار به رژیم سابق البشیر تشکیل شده؛ ۲. نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) به فرماندهی حمیدتی که از شبه‌نظامیان جنجویی سابق جنگ سودان–دارفور برخودار است. در عین حال کشورهای خارجی مانند امارات (حامی RSF از طریق پایگاه‌های لبی و چاد، مصر و عربستان و… به

جنگ از ۲۶ فروردین ۱۴۰۲
میان ارتش سودان به فرماندهی البرهان و نیروهای پشتیبانی سریع به فرماندهی حمیدتی آغاز شد.
ارتش برتری هوایی و سلاح سنگین دارد، اما نیروهای حمیدتی چابک‌ترند و مناطق وسیعی از معادن طلا و مسیره‌های قاچاق را کنترل می‌کنند.
درگیری ابتدا در خارطوم و مروی بود و به‌سرعت به دارفور، کردفان و مناطق شرقی کشیده شد. تا پایان ۱۴۰۲ بیش از پانزده هزار کشته و ۸میلیون آواره بر جای گذاشت و بزرگ‌ترین بحران آوارگی جهان شد.
هیچ‌کدام از دو طرف تا آذر ۱۴۰۴ پیروز قاطع نشده‌اند.
برخی گروه‌های شورشی سابق دارفور گاهی با ارتش و گاهی با حمیدتی همسو می‌شوند و شبه‌نظامیان عرب نیز به ارتش کمک می‌کنند.
محور اصلی اما همچنان تقابل داخلی البرهان و حمیدتی است.

🇸🇩

شکل نیابتی در جنگ دخالت دارند، اما محور اصلی همچنان تقابل داخلی البرهان– حمیدتی است که تا نوامبر ۲۰۲۵ (آذر ۱۴۰۴) همچنان ادامه دارد و هیچ‌ک از طرفین پیروزی قاطع به دست نیاورده‌اند.

گوشه‌ای از جنایات گروه حمیدتی

نیروه‌ای پشتیبانی سریع (RSF) به فرماندهی محمد حمدان دقلو (معروف به حمیدتی)، که از شبه‌نظامیان جنجویی دارفور تکامل یافته‌اند، از آغاز جنگ داخلی سودان در ۱۵آوریل ۲۰۲۳ (۲۶ فروردین ۱۴۰۲) متهم به ارتکاب جنایات جنگی



امارات بزرگ‌ترین حامی نیروهای حمیدتی است و با ارسال سلاح، پهباد و پول از راه جاد و لبیبی جنگ را طولانی کرده.
بخش بزرگی از طلای سودان (سومین تولیدکننده آفریقا) از مناطق تحت کنترل حمیدتی از راه دبی قاچاق می‌شود و پول آن دوباره به خرید سلاح برمی‌گردد.
امارات همچنین ده‌ها هزار هکتار زمین کشاورزی سودان را برای تأمین غذای خود اجاره کرده و نیروهای حمیدتی از این زمین‌ها محافظت می‌کنند.
این حمایت باعث شده حمیدتی کنترل دارفور را نگه دارد و جنایات گسترده انجام دهد.
اتحادیه اروپا و آمریکا چندین شرکت اماراتی و اعضای خانواده حمیدتی را تحریم کرده‌اند و سودان را ددگاه بین‌المللی از حمایت به جرم همدمستی در نسل‌کشی شکایت کرده.
همین الگوی حمایت نظامی و اقتصادی امارات پیش‌تر در لبیبی و حمایت از خلیفه حفر نیز تکرار شده بود.

🇸🇩

گسترده‌ای شده‌اند که شامل قتل‌عام‌های قومی، تجاوز جنسی سیستماتیک، غارت و استفاده از قطعی به عنوان سلاح جنگی است. بر اساس گزارش سازمان ملل در نوامبر ۲۰۲۵ گزارش داد که RSF حداقل ۲۵ زن و دختر را در پناهگاه‌های آوارگان نزدیک دانشگاه الفاشر به تجاوز گروهی واداشت و بیش از ۱۰۰ خانواده را با تیراندازی مجبور به فرار کرد، که این اقدامات به عنوان جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت طبقه‌بندی می‌شود. بیش از ۲۶ هزار نفر در روز واول آواره شدند، و ۱۷۷ هزار نفر همچنان محاصره‌اند، در حالی که



سودان از پایان قرن نوزدهم زیر سلطه بریتانیا بود و سیاست جداسازی شمال و جنوب، شکاف عمیق قومی و مذهبی ایجاد کرد.
پس از استقلال در ۱۳۳۵، جنگ داخلی اول (۱۳۳۴ تا ۱۳۵۱) و سپس جنگ دوم (از ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۴) میلیون‌ها کشته و آواره به‌جا گذاشت و سرانجام به جدایی جنوب در ۱۳۹۰انجامید.
بحران دارفور از ۱۳۸۲ با واکنش خشن دولت و شبه‌نظامیان جنجویی همراه شد و اتهام نسل‌کشی به‌بار آورد.
پس از سقوط عمرالبشیر در ۱۳۹۸، دو فرمانده نظامی عبدالفتاح البرهان (فرمانده ارتش) و محمد حمدان دقلو(حمیدتی)، فرمانده نیروهای پشتیبانی سریع) ابتدا متحد شدند و در ۱۴۰۰ با کودتا قدرت را گرفتند، اما اختلاف بر سر ادغام نیروهای حمیدتی در ارتش، در فروردین ۱۴۰۲ به جنگ تمام‌عیار در خارطوم و دارفور تبدیل شد که هنوز ادامه دارد.

🇸🇩

دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir



سودان؛ زمین، طلا و خون

تصاویر ماهواره‌ای لکه‌های قرمز (خون) و خوشه‌های اسجاد را در خیابان‌ها نشان می‌دهد. این جنایات فاجعه‌بار، که توسط اتحادیه اروپا در نوامبر ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴) با تحریم عبدالرحیم قذوف، معاون RSF، جنایات جنگی مانند قتل‌عام‌های قومی در دارفور دامن زده، جایی که سازمان دیده‌بان حقوق بشر (HRW) در نوامبر ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴) امارات را به همدمستی در نسل‌کشی متهم کرد. امارات، علی‌رغم انکارهای رسمی، از طریق هلال احمر امارات (Emirates Red Crescent) نیز پوشش بشردوستانه برای ارسال تسلیحات فراهم کرده، که توسط گزارش تسلیحاتی دارفور محکوم شده است. گزارش گاردین در نوامبر ۲۰۲۵ الفاشر را با نسل‌کشی رواندا ۱۹۹۴ مقایسه کرد، جایی که RSF مانند هوتوها، غیرعرب‌ها را هدف قرار داد، و کارشناسان سازمان ملل هشدار دادند که بدون مداخله فوری، این الگو به کردفان و شرق سودان گسترش می‌یابد. شورای امنیت در ۳۰اکتبر ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴) بیانیه‌ای صادر کرد و خواستار تحقیق مستقل شد، اما وتوی در نوامبر ۲۰۲۴ (آبان ۱۴۰۳) مانع از فشار بیشتر شد؛ با این حال، مأموریت سازمان ملل در ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴) آغاز شد تا عاملان را شناسایی کند. این جنایع، که بیش از ۱۵۰ هزار کشته در کل جنگ به جا گذاشته، سودان را به بدترین بحران انسانی جهان تبدیل کرده، و نیاز به محاکمه حمیدتی در ICC را ضروری می‌سازد، در حالی که RSF کنترل کامل دارفور را برای بهره‌برداری از طلا حفظ کرده است.

امارات به دنبال زمین و طلا

اما باید مشخص‌تر از نقش امارات نوشت. امارات، به عنوان یکی از اصلی‌ترین حامیان خارجی نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) به رهبری محمد حمدان دقلو (معروف به حمیدتی)، نقش تعیین‌کننده‌ای در تشدید و طولانی کردن جنگ داخلی سودان از ۱۵آوریل ۲۰۲۳ (۲۶ فروردین ۱۴۰۲) ایفا کرده است. این حمایت‌ها، که بر اساس گزارش‌های سازمان ملل متحد (UN Panel of Experts) در ژانویه ۲۰۲۴ (دی ۱۴۰۲) و جولای ۲۰۲۴ (تیر ۱۴۰۳) مستند شده، شامل ارسال تسلیحات، پهبادها و تجهیزات لجستیکی از طریق مسیرهای غیررسمی در چاد، لبیبی و اوگاندا است؛ برای مثال، پروازهای هفتگی از امارات به فرودگاه اجراس در شرق چاد، که حاوی ۱۰۰ تن تسلیحات (از جمله موشک‌های ضدتانک و سلاح‌های سبک) بوده، توسط تصاویر ماهواره‌ای سازمان ملل و گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا تأیید شده است. علاوه بر این، امارات از طریق شرکت‌های وابسته به خانواده حمیدتی، مانند Tradive General Trading LLC در دبی، شبکه‌ای مالی برای تأمین مالی RSF ایجاد کرده که شامل انتقال وجوه از فروش طلا به حساب‌های بانکی در ابوظبی است؛ وزارت خزانه‌داری آمریکا در ژانویه ۲۰۲۴ (بهمن ۱۴۰۲) هفت شرکت اماراتی را به دلیل تسهیل این جریان‌های مالی متهم کرد، که سالانه بیش از یک میلیارد دلار



سودان از پایان قرن نوزدهم زیر سلطه بریتانیا بود و سیاست جداسازی شمال و جنوب، شکاف عمیق قومی و مذهبی ایجاد کرد.
پس از استقلال در ۱۳۳۵، جنگ داخلی اول (۱۳۳۴ تا ۱۳۵۱) و سپس جنگ دوم (از ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۴) میلیون‌ها کشته و آواره به‌جا گذاشت و سرانجام به جدایی جنوب در ۱۳۹۰انجامید.
بحران دارفور از ۱۳۸۲ با واکنش خشن دولت و شبه‌نظامیان جنجویی همراه شد و اتهام نسل‌کشی به‌بار آورد.
پس از سقوط عمرالبشیر در ۱۳۹۸، دو فرمانده نظامی عبدالفتاح البرهان (فرمانده ارتش) و محمد حمدان دقلو(حمیدتی)، فرمانده نیروهای پشتیبانی سریع) ابتدا متحد شدند و در ۱۴۰۰ با کودتا قدرت را گرفتند، اما اختلاف بر سر ادغام نیروهای حمیدتی در ارتش، در فروردین ۱۴۰۲ به جنگ تمام‌عیار در خارطوم و دارفور تبدیل شد که هنوز ادامه دارد.

🇸🇩

حمیدتی (مانند Algunade) مستقیماً با تجار اماراتی معامله می‌کنند. این تجارت، که توسط Global Witness در دسامبر ۲۰۱۹ (آذر ۱۳۹۸) مستند شده و در ۲۰۲۵ ادامه یافته، RSF را به مافیایی طلا تبدیل کرده و امارات را به بزرگ‌ترین واردکننده طلای خونین سودان بدل ساخته؛ برای نمونه، در مه ۲۰۲۳ (اردیبهشت ۱۴۰۲)، تنها یک تاجر سودانی در دبی ۵۰ کیلوگرم طلا از RSF دریافت کرد، که طبق گزارش سازمان ملل، مستقیماً برای خرید سلاح از امارات هزینه شد. دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) در نوامبر ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴) این چرخه را جنایت علیه بشریت نامید، زیرا استخراج طلا با کار اجباری کودکان و غیرنظامیان در دارفور همراه است، و امارات با عدم اجرای تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت (رزولوشن ۱۵۵۶، ۲۰۰۴/۱۳۸۲)، این بهره‌برداری را تسهیل می‌کند. این انگیزه اقتصادی، ریشه در استراتژی امارات برای تنوع‌بخشی به اقتصاد نفتی خود دارد، جایی که دبی به عنوان هاب جهانی طلا عمل می‌کند و سودان منبع ارزان و بی‌قیدوشرط آن است. علاوه‌بر طلا، زمین‌های حاصلخیز سودان– که ۸۴ درصد از نایل آبی و ۱۷ درصد از آب‌های زیرزمینی آفریقا را تأمین می‌کند– انگیزه کلیدی دیگر امارات است، کشوری که ۹۰ درصد غذای خود را وارد می‌کند و با بحران آب روبه‌رو است؛ گزارش Middle East Eye در سپتامبر ۲۰۲۴ (شهریور ۱۴۰۳) نشان می‌دهد که شرکت‌های اماراتی مانند Jenaana and International Holding Company (IHC) بیش از ۵۰ هزار هکتار زمین در ایالت‌های جزیره والنیل الایض را برای کشت علوفه و غلات اجاره کرده‌اند، با قراردادهایی که اغلب به دلیل شرایط ناعادلانه توسط دولت سودان رد شده، اما با حمایت RSF احیا شده‌اند. این سرمایه‌گذاری‌ها، که از ۲۰۱۹ (۱۳۹۸) آغاز شده و تا ۲۰۲۵ بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار در آفریقا سرمایه‌گذاری کل امارات را شامل می‌شود، RSF را به عنوان نگهبان زمین‌ها قرار داده، برای مثال، در دسامبر ۲۰۲۳ (آذر ۱۴۰۲)، RSF با صرف جزیره (بزرگ‌ترین طرح آبیاری سودان)، کشاورزان محلی را آواره کرد تا پروژه‌های اماراتی را پیش ببرد، که طبق



نیروهای حمیدتی از فروردین ۱۴۰۲ به قتل‌عام قومی، تجاوز سیستماتیک، غارت و استفاده از قطعی به‌عنوان سلاح متهم شده‌اند.
در غرب دارفور بیش از ده هزار غیرنظامی غیرعرب را هدفمند کشتند.
شهر الجناین در خرداد ۱۴۰۲ شاهد کشتار بیش از هزار و پانصد نفر بود.
الفاشر، آخرین پایگاه ارتش در شمال دارفور، پس از هجده ماه محاصره و قطعی شدید در آبان ۱۴۰۴ سقوط کرد.
نیروهای حمیدتی در سه روز دست‌کم یک‌هزار و پانصد تا دو هزار و پانصد غیرنظامی را کشتند، به بیمارستان سعودی حمله کردند، بیماراران و کودکان معلول را سوزانند،
اعدام شده‌جمعی انجام دادند و ده‌ها زن را مورد تجاوز گروهی قرار دادند.
تصاویر ماهواره‌ای لکه‌های خون و گورهای جمعی را نشان می‌دهد.
این جنایات از سوی سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری به‌عنوان جنایت علیه بشریت و ادامه نسل‌کشی دارفور محکوم شده است.

🇸🇩

گزارش Swissaid در ۲۰۲۴، منجر به تصرف اراضی و گرسنگی ۲۵ میلیون سودانی شده است. سازمان ملل در اگوست ۲۰۲۵ (مرداد ۱۴۰۴) قطعی در کمپ‌های دارفور را به استفاده از قطعی به عنوان سلاح توسط RSF نسبت داد، که با حمایت لجستیکی امارات (مانند مسدود کردن کمک‌ها) تشدید شده است. در نهایت، این حمایت‌ها به تنها سده‌ا را به سقعه آتش امارات (از غرب آسیا تا لبیبی) تبدیل کرده، بلکه به دلیل فشارهای بین‌المللی، امارات را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار داد؛ در نوامبر ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴)، اتحادیه اروپا و آمریکا تحریم‌های جدیدی علیه عبدالرحیم دقلو، معاون RSF، و شرکت‌های اماراتی اعمال کردند، و سودان در مارس ۲۰۲۵ (اسفند ۱۴۰۳) امارات را در دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) به همدمستی در نسل‌کشی متهم کرد، که توسط گزارش گاردین در نوامبر ۲۰۲۵ تأیید شد. با وجود انکارهای ابوظبی، که ادعا می‌کند فقط میانجی‌گری می‌کند، شواهد شورای امنیت در ۲۰اکتبر ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴) نشان می‌دهد که این حمایت‌ها بدون کاشش، RSF اجازه داده تا کنترل کامل دارفور را حفظ کند و سودان را به بدترین بحران انسانی جهان (با ۱۵۰هزار کشته و ۱۳ میلیون آواره) بدل سازد. کارشناسان مانند کسانای در Atlantic Council در جولای ۲۰۲۵ (تیر ۱۴۰۴) هشدار می‌دهند که بدون قطع این حمایت‌ها، جنگ به کردفان و شرق سودان گسترش می‌یابد و امارات را به عنوان عامل اصلی فاجعه در تاریخ سودان ثبت می‌کند.

تنها سودان نیست!

سودان تنها کشوری نیست که در دام دخالتات نظامی و اقتصادی امارات گرفتار شده است؛ لبیبی نیز از سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) به بعد، قربانی الگویی مشابه شده که در آن ابوظبی از طریق حمایت از ژنرال خلیفه حفر و ارتش ملی لبیبی (LNA)، جنگ داخلی را طولانی کرده و به دنبال تسلط بر منابع نفتی و اقتصادی این کشور است. جنگ داخلی لبیبی، که به عنوان دومین جنگ داخلی لبیبی در ۲۰۱۴–۱۳۹۲/۲۰۰۲ (اسفند ۱۳۹۹) شناخته می‌شود، ریشه در خلا قدرت پس از سرتوپی معمر قذافی (۲۰۱۱–۱۳۹۰) داشت و با انتخابات پارلمانی فتنه‌آمیز ۲۰۱۱ (خرداد ۱۳۹۲) شعلهور شد،

صفحه ۸

پنجشنبه ۱۴۰۶ آذر ۱۴۰۶

۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ – شماره ۱۵-۲۴

جایی که مجلس نمایندگان (HoR) در طَبْرُق مستقر شد و کنگره عمومی ملی (GNC) در طرابلس، که تحت نفوذ شبه‌نظامیان اسلام‌گرا بود، آن را به چالش کشید. در ۱۶ مه ۲۰۱۴ (۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۳)، حفر عملیات کرامت (Dignity) را علیه شبه‌نظامیان اسلام‌گرا مانند انصار الشریعه و تیپ سپر لبیبی ۱ در بنغازی آغاز کرد، و امارات باافاصله با ارسال تسلیحات پیشرفته، از جمله پهبادهای چینی Wing Loong II و سیستم‌های دفاع هوایی Pantsir-S۱ روسی، به عنوان حامی اصلی LNA ظاهر شد؛ گزارش سازمان ملل در نوامبر ۲۰۱۹ (آبان ۱۳۹۸) تأیید کرد که امارات بیش از ۱۰۰ پرواز باری از ابوظبی به شرق لبیبی و مصر غربی انجام داد تا این تجهیزات را نقض تحریم تسلیحاتی ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) منتقل کند، که این اقدامات نه تنها LNA را تقویت کرد، بلکه به کشته شدن هزاران غیرنظامی در بنغازی و شرق لبیبی منجر شد و جنگ را به یک درگیری نیابتی تبدیل نمود. این حمایت‌ها، که طبق گزارش الجزیره در ژانویه ۲۰۲۰ (دی ۱۳۹۸) شامل بیش از ۸۵۰ حمله پهبادی و جت آژوریل ۲۰۱۹ (فروردین ۱۳۹۸) تا ۲۰۲۰ بود، حفر را قادر ساخت تا کنترل هلال نفتی (Oil Crescent) را در شرق لبیبی به دست گیرد، جایی که ۸۰ درصد ذخایر نفتی کشور (حدود ۴۸ میلیارد بشکه) قرار دارد، و امارات را به عنوان شریک اقتصادی پنهان در صادرات نفت خام تثبیت کرد. در فوریه ۲۰۱۵ (بهمن ۱۳۹۳)، امارات با تأسیس دولت وفاق ملی (GNA) توسط سازمان ملل مخالفت کرد و به جای آن، حمایت خود از حفر را تشدید نمود، از جمله استخدام مزدوران سودانی از دارفور (که بعداً به RSF در سودان پیوستند) و ارسال سوخت جت از طریق کشتی‌ها برای LNA. که طبق گزارش وال استریت ژورنال در ژانویه ۲۰۲۰ (دی ۱۳۹۸) نقض مستقیم تحریم‌های سازمان ملل بود. این مداخله به جج خود درآوریل ۲۰۱۹ (فروردین ۱۳۹۸) رسید، زمانی که حفر با حمایت هوایی امارات، حمله‌ای گنگانهی به طرابلس آغاز کرد و GNA را تهدید به سقوط کرد؛ پهبادهای اماراتی بیش از ۱۰۰ حمله به مواضع GNA انجام دادند، که منجر به محاصره طرابلس و کشته شدن بیش از ۶۰۰۰ نفر در ۱۴ ماه شد، طبق آمار سازمان ملل در ژوئن ۲۰۲۰ (خرداد ۱۳۹۹). امارات همچنین از طریق شرکت‌های وابسته، مانند کسانای که در دبی مستقر هستند، شبکه‌ای مالی برای LNA ایجاد کرد تا درآمدهای نفتی شرق لبیبی (حدود ۱.۲ میلیون بشکه روزانه) را مدیریت کند؛ گزارش Chatham House در مارس ۲۰۲۵ (اسفند ۱۴۰۳) نشان می‌دهد که امارات بیش از ۵۰ درصد صادرات نفت شرقی را از طریق بنغازی تحت کنترل حفر (مانند رأس لانوف و سیدر) هدایت می‌کند، که این امر نه تنها جنگ را طولانی کرد، بلکه به قطعی اقتصادی در غرب لبیبی دامن زد و بیش از ۱.۳ میلیون نفر را آواره ساخت. این استراتژی، که ریشه به عنوان دیکتاتوری شبیه به عبدالفتاح السیسی در مصر ترویج داد، و سازمان دیده‌بان حقوق بشر در اکتبر ۲۰۲۰ (مهر ۱۳۹۹) آن را همدمستی در جنایات جنگی نامید، از جمله بمباران بیمارستان‌ها و بازارها در طرابلس. انگیزه اصلی امارات در این فاجعه، مانند سودان، دسترسی به منابع نفتی و اقتصادی لبیبی است، جایی که ذخایر اثبات شده نفت (۴۰ میلیارد بشکه) و گاز (۱.۵ تریلیون متر مکعب) می‌تواند اقتصاد نفتی وابسته امارات را تقویت کند؛ گزارش آتانتیک کانسلیس در جولای ۲۰۲۵ (تیر ۱۴۰۴) تأکید می‌کند که ابوظبی از ۲۰۱۴ به بعد، با سرمایه‌گذاری‌های پنهان در شرکت نفتی لبیبی (SOG) از طریق حفر، کنترل هلال نفتی را به دست آورد و بیش از ۴ میلیارد دلار درآمد از صادرات دارفور به دست آورد؛ در نوامبر ۲۰۲۰ (دی ۱۳۹۸) با بستن بنادر توسط LNA منحرف کرد، که این اقدام طبق شورای امنیت سازمان ملل، اقتصاد لبیبی را ۵۰ درصد کوچک‌تر کرد. امارات همچنین از طریق شرکت‌های وابسته مانند IHC، قراردادهای بازسازی زیرساختی در شرق لبیبی را امضا کرد، از جمله پروژه‌های بنادر و خطوط لوله که بیش از ۱۰ میلیارد دلار ارزش دارند، و این امر حفر را به عنوان نگهبان منابع تثبیت نمود؛ گزارش میدل ایست آی در سپتامبر ۲۰۲۴ (شهریور ۱۴۰۳) افشا کرد که امارات سوخت قاچاقی را از بنادر شرقی به مزدوران LNA ارسال می‌کرد، که این چرخه نه تنها جنگ را به تندتر کرد، بلکه به غارت منابع توسط شبه‌نظامیان منجر شد و لبیبی را به کانون قاچاق انسان و اسلحه در مدیترانه تبدیل نمود. این بهره‌برداری اقتصادی، که با نقض تحریم‌های سازمان ملل همراه بود، طبق گزارش سازمان ملل در اگوست ۲۰۲۱ (مرداد ۱۴۰۰)، بیش از ۱۵۰ پرواز تسلیحاتی از امارات را شامل می‌شد و حفر را قادر ساخت تا در ۲۰۲۰ (۱۳۹۹)

کنترل جنوب لبیبی و مسیرهای تجاری آفریقایی را به دست گیرد. تا اکتبر ۲۰۲۰ (مهر ۱۳۹۹)، با شکست حفر به طرابلس و آتش‌سوزی موقت، امارات سیاست خود را به سمت دیپلماسی اقتصادی تغییر داد، اما حمایت‌های پنهان ادامه یافت؛ در جولای ۲۰۲۲ (تیر ۱۴۰۱)، ابوظبی میانجی‌گری کرد تا فرتاح بن قداره، منجمه خود را به ریاست NOC منصوب کند، که این امر کنترل صادرات نفت (ارزش ۵۰ میلیارد دلار سالانه) را تضمین کرد و طبق گزارش TRT World در مارس ۲۰۲۴ (اسفند ۱۴۰۲)، امارات را به شریک اصلی بازسازی شرق لبیبی بدل ساخت. با این حال، این تغییر ظاهری نتوانست فاجعه را جبران کند؛ جنگ داخلی بیش از ۵۰ هزار کشته به جا گذاشت و لبیبی را به دو دولت تقسیم‌شده (GNU در غرب و GNS در شرق تحت حفر) تبدیل کرد، جایی که امارات همچنان از طریق سوخت‌رسانی و تسلیحات، نفوذ خود را حفظ می‌کند؛ گزارشی از The Sentry در نوامبر ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴) نشان داد که نیروهای حفر سوخت را در سودان قاچاق می‌کنند، الگویی قطع این حمایت‌ها، جنگ به کردفان و شرق سودان گسترش می‌یابد و امارات را به عنوان عامل اصلی فاجعه در تاریخ سودان ثبت می‌کند.